

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

«جغرافیای اجتماعی شهری»

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

**بررسی تأثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی-کالبدی بافت قدیمی شهرها
(مطالعه موردی: محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان شهر کاشان)^۱**دکتر رسول حیدری سورشجانی^۲استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریست، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
دکتر یونس غلامیاستادیار گروه جغرافیا و اکوتوریست، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
مهدی موسوی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گرایش نوسازی شهری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

فقر شهری یکی از چالش‌های اصلی در بافت‌های فرسوده می‌باشد که در ابعاد مختلفی چون محرومیت‌های اجتماعی- فرهنگی و کالبدی-فضایی، ظهور یافته است. بنابراین در بررسی ساختار فضایی بافت‌های فرسوده بایستی به بررسی جنبه‌های مختلف تأثیرگذار بر فرآیند فقر شهری پرداخت، در این راستا بافت‌های قدیمی شهر کاشان از منظر کالبدشناسی ساختاری و عملکردی نشان‌دهنده‌ی تجلی مشکلاتی نظیر تعارض با ساختار کلی شهر، افول اقتصادی، افول کیفیت کالبدی، شرایط نامطلوب زیست محیطی می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی مهمترین ابعاد فقر شهری محلات قدیمی سلطان میراحمد و درب اصفهان در شهر کاشان پرداخته و تأثیرات این عوامل را بر وضعیت کالبدی و فضایی محلات ارزیابی می‌کند. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه از روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزار Amos و همچنین روش کای اسکوتر (خی دو) از طریق نرم‌افزار SPSS و برای بدست آوردن نقشه‌های مورد نیاز از نرم‌افزار ArcGIS استفاده شده است. در نهایت تأثیرات زیرشاخص‌های اقتصادی بر زیرشاخص‌های کالبدی با استفاده از الگوی معادلات ساختاری (SEM) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، که نتایج نشان می‌دهد افت شاخص‌های اقتصادی باعث افزایش نارسایی کالبدی در سطح محلات می‌شود. همچنین بر اساس مدل کای اسکوتر علت سکونت ساکنان در کنار یکدیگر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که علت اصلی سکونت ساکنین در انتخاب این محله برای سکونت، همسطح بودن با سایر همسایگان از نظر مالی و اقتصادی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فقر شهری، بافت فرسوده، الگوی معادلات ساختاری، کاشان

^۱ - صفحات: ۴۷-۶۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۵

DOI: 10.22103/JUSG.2018.1952

rasol_heidary@kashanu.ac.ir

^۲ - نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

مقدمه

بافت فرسوده شهری، کل یا بخشی از فضای شهری است که نظام زیستی آن، هم از حیث ساخت و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود، دچار اختلال و ناکارآمدی شده باشد (کمانرودی، ۱۳۸۶: ۳۰). به عبارت دیگر بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. هر چند مطالعه در مورد فرسودگی بلافاصله منجر می‌شود به بررسی روابط بسیار پیچیده علت و معلولی در تشخیص دلایل ریشه‌ای فرسودگی شهری، یعنی عللی که اکثراً جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی دارند (جواهری‌پور، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۱). به طور کلی عوامل فرسودگی فضاهای شهری را می‌توان در دو عامل محیط طبیعی و محیط انسانی جستجو کرد: عوامل محیط طبیعی: شامل انواع آب و هوا و عناصر اقلیمی از جمله دما، اختلاف درجه حرارت، بارش و رطوبت هوا، که در فرسایش و آسیب رساندن به ساختار شهری موثرند. عوامل انسانی: انسان و فعالیت‌های او از مهم‌ترین عوامل فرسودگی و تخریب بناها و فضاهای شهری است. این عوامل در سه گروه قرار می‌گیرند: دسته اول عوامل اجتماعی. دسته دوم عوامل اقتصادی. دسته سوم کالبدی- فضایی (حیثی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

عوامل اقتصادی که رکود فعالیت‌ها و سکونت اقشار کم درآمد را به همراه داشته و موجب افت قیمت زمین و مسکن و توقف ساخت‌وساز این مناطق می‌گردد، عوامل اجتماعی-فرهنگی که مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی-فرهنگی، بزهکاری و وجود آسیب‌های اجتماعی از علائم آن است، عوامل کالبدی که ناپایداری ابنیه و ناکارآمدی زیرساخت‌ها از نشانه‌های آن به شمار می‌رود و عوامل محیطی که از انواع آلودگی (هوا، آب، آلودگی‌های صوتی و بصری) به استفاده غیرپایدار از زمین و نیز کمبود پوشش گیاهی و عناصر طبیعی را شامل می‌شود (حسینی، ۱۳۷۰: ۱۴).

این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنین و مالکین آنها امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاری در آن را ندارند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۶). بر این اساس مسأله‌ی فقر شهری یکی از مشکلات اصلی در بافت‌های فرسوده می‌باشد که در ابعاد مختلفی چون عدم امنیت در مالکیت، فقر درآمدی ساکنان، آسیب‌پذیری معیشت شهروندان، عدم امنیت فردی، فقر سلامت فرد و محیط، فقر آموزشی، فقر حقوقی و محرومیت اجتماعی ظهور یافته است (مهتا، ۱۹۹۴: ۴). به طور کلی هنگامی که حیات شهری در محدوده‌ای از شهر به هر علتی رو به رکود می‌رود، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می‌گیرد. پدیده فرسودگی در بافت‌های شهری بر کالبد بافت و همچنین بر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن اثرگذار است (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۴۵). وجود رقابت در فضای محدود شهری، جمعیت زیادی تحت عنوان فقرای شهری شکل داده است که از سطح پایین درآمد، آموزش و حقوق شهروندی برخوردارند (حیدری سورشجانی و شاطریان، ۱۳۹۶: ۶۴).

در واقع فقر پدیده‌ای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که از نبود حداقل نیازهای انسانی یا ناتوانی در تأمین آن ناشی می‌شود. گستره‌های فقر را می‌باید باز نمود فضایی-مکانی فقر در پهنه‌های شهری معرفی نمود (راغفر و صانعی، ۱۳۸۹: ۳۸۹). محلات فقیر نشین شهری برای توصیف طیف گسترده‌ای از سکونت‌گاه‌های کم‌درآمدها و شرایط نامطلوب سکونتی استفاده می‌شود و به طور کلی می‌توان آن را چنین تعریف کرد: محله مسکونی پرتراکم جمعیتی، نقاط شهری که وضعیت مسکن آن نامطلوب و پایین‌تر از حد استاندارد و متعارف است، از حیث خدمات و زیرساخت‌های شهری وضعیت نابسامانی دارند. این تعریف ساده و کلی می‌تواند منعکس‌کننده جنبه‌های اساسی کالبدی و اجتماعی مناطق فرودست شهری باشد. گر چه ممکن است در نظر اول نوع مصالح به کار رفته در واحدهای مسکونی این محله‌ها مناسب به نظر رسد ولی در عمل از حیث اجرا و مسائل فنی (مانند نداشتن پی مناسب) دچار مشکل هستند یا این که به دلیل قدمت فرسوده شده‌اند و در مقابل سوانح طبیعی بسیار آسیب‌پذیرند؛ از

حیث امکانات زیرساختی این گونه محله‌ها نابسامان هستند، برای مثال شبکه معابر باریک، خاکی که عمدتاً ناشی از تفکیک‌های غیررسمی اراضی توسط مالکین پیشین اراضی بوده است و فاقد امکانات لازم برای هدایت آب‌های سطحی هستند یا جاری شدن بخشی از فاضلاب‌های خانگی در معابر؛ یا از حیث دسترسی به برخی خدمات شهری مانند آب بهداشتی، جمع‌آوری زباله، خدمات آموزشی و بهداشتی در مضیقه هستند، به بیان دیگر وجود و عرضه خدمات شهری جوابگوی تقاضای بالقوه برای آنان نیست (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷-۹).

در بعد فقر شهری، فقر و آسیب‌پذیری با سه ویژگی متمایز زندگی شهری مرتبط می‌شود: مصرف‌گرایی (اتکا به اقتصاد پولی)، خطرات زیست محیطی (گریز از ازدحام و خطرات مکانی سکونت‌گاه‌ها و ظهور آلاینده‌های متعدد)، و چندپارگی اجتماعی (فقدان اجتماع و فقدان سازوکارهای درون خانواری برای امنیت اجتماعی، و مقایسه آن با نواحی روستایی). فقر در مفهوم کلی، از طریق توجه به شاخص‌های آن در حوزه‌های اصلی ذیل قابل تعریف است: درآمد و هزینه، توزیع سرمایه و درآمد، دارایی‌ها و قابلیت و توانایی مصرف، نیازهای اساسی، از جمله بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی، خدمات پایه از قبیل شبکه آب سالم، توزیع برق و سایر خدمات زیربنایی، خدمات درمانی، امنیت زندگی و دارایی‌ها، استاندارد زندگی در مقایسه با انتظارات، پذیرش و احترام از سوی جامعه، حق انتخاب و دستیابی به فرصت‌ها برای زندگی فردی و خانوادگی، درک و پاسخ به خواسته‌ها و صدای مردم و تأمین نیازهای معنوی و مادی (کوچ، ۲۰۰۳: ۱۱۵).

فقر شهری پدیده‌ای چند بعدی است و شهرنشینان به خاطر بسیاری از محرومیت‌ها، از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی، در رنج و مضیقه هستند (کودل، ۲۰۰۲: ۸۵). مهم‌ترین ویژگی‌های فقر شهری، که می‌تواند توصیف کننده علل فقر شهری نیز باشد عبارت است از:

الف) نبود درآمد و دارایی برای رفع نیازهای اولیه

افراد فقیر همواره تأکید مستمری بر کار و فعالیت به منظور بهبود زندگی شان دارند. در این زمینه، ثروت دارایی برای توانایی‌های اقتصادی و ایجاد یا ابقا اشتغال دارای تأثیر مهمی است، چرا که تضمین کننده درآمد پایدار و امنیت شغلی و درآمدی است. در زمینه درآمد و اشتغال برای تأمین نیازهای اولیه افراد، وضعیت اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای نیز عامل مهمی است. با ثروتمندتر شدن یک کشور وضعیت فقرای آن کشور نیز، در حد میانگین بهبود می‌یابد و سازوکار اصلی برای این امر، اشتغال با دستمزد بهتر است. با رشد اقتصادی، فقر درآمدی کاهش و با رکود اقتصادی فقر درآمدی افزایش پیدا می‌کند. در حالی که رشد اقتصادی به صورتی نظام‌مند با کاهش فقر همراه است، ولی نرخ رشدی که می‌تواند به کاهش فقر تبدیل گردد بستگی به نابرابری اولیه توزیع درآمد و چگونگی تغییرات آن در طول زمان دارد (کالینگ و نادین، ۲۰۰۶: ۲۰۴).

ب) ضعف دستیابی به حقوق شهروندی و مشارکت

افرادی که دچار فقر مادی هستند به شدت احساس فقدان عدم توانایی اظهار نظر، قدرت و استقلال می‌کنند. این درماندگی آنان را به خشونت، احساس حقارت و شرمساری و تصور استثمار شدن از جانب مؤسسات دولتی و اجتماع می‌کشاند. نبود حاکمیت قانون، فقدان امنیت در برابر خشونت، احجاف و نبود تعامل مناسب با بخش‌های دولتی، بار سنگینی بر دوش فقرا می‌نهد. تهدید نیروهای فیزیکی یا قدرت‌های دیوان سالاری مستبد، مشارکت در فعالیت‌های عمومی برای بیان علایقشان و اینکه آن‌ها را به حساب آورند، دشوار می‌سازد. در واقع یکی از دلایل پیشرفت نسبتاً کند مؤسسات دولتی در توسعه دارایی‌های انسانی فقرا، عدم پاسخگویی و مسولیت‌پذیری آنها است.

ج) آسیب‌پذیری

آسیب‌پذیری پدیده‌ای است که همیشه همراه محرومیت مادی و انسانی است و افراد را فقیر کرده یا در حد فقر نگه می‌دارد. فقرای شهری معمولاً در زمین‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند. آنان در حاشیه شهرها و محله‌های پرجمعیتی سکونت دارند که حوادث طبیعی به راحتی می‌تواند آنان را از بین ببرد. امنیت شغلی لازم را در محیط

کار ندارند و از نظر وضعیت بهداشتی همیشه در معرض بیماری‌های خطرناک و بعضاً لاعلاج هستند. از برخوردهای خشن و مستبدانه مقامات محلی بی‌نصیب نیستند و زنان فقیر همواره در معرض محرومیت‌های اجتماعی، جنایت و خشونت قرار دارند. در واقع، ریسک‌هایی که افراد فقیر در نتیجه شرایط خود با آن روبه رو هستند از علل اصلی فقر است (مجیدی خامنه، محمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۱۳۴). جدول شماره ۱ نشانگرهای شناسایی گستره‌های فقر شهری را با توجه به جنبه‌های فقر شهری یعنی جنبه‌های کالبدی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌کند.

جدول ۱- نشانگرهای فقر شهری

عامل شناسایی گستره های فقر شهری	مقوله بندی موضوعی نشانگرهای فقر شهری	
	مقوله بندی خرد	مقوله بندی کلان
درآمد پایین خانوار نسبت به متوسط درآمد جامعه، بالا بودن بار تکفل	درآمد	جنبه اقتصادی
بالا بودن نرخ بیکاری، بالا بودن اشتغال در بخش غیررسمی	اشتغال	
پایین بودن قیمت و اجاره بهای مسکن	ارزش زمین	
عرضه ناکافی آب آشامیدنی، بهداشت نامناسب	سلامت	جنبه جمعیتی- اجتماعی
پایین بودن میزان جمعیت باسواد، پایین بودن تعداد و کیفیت خدمات آموزشی	آموزش	
عدم امنیت حق نگاهداشت محل سکونت، بالا بودن میزان جرایم	امنیت	
بالا بودن نسبت جمعیت مهاجر، بالا بودن بعد خانوار	جمعیت	جنبه کالبدی- محیطی
بالا بودن تراکم جمعیتی، پایین بودن دسترسی و نسبت جمعیت به خدمات واحدهای مسکونی که در مجاورت محل دفن زباله ها احداث شده اند. واحدهای مسکونی احداث شده در مناطقی که دارای آلودگی ناشی از فعالیتهای صنعتی هستند. واحدهای مسکونی در مجاورت مناطق پرخطر حفاظت نشده، مانند راه آهن، فرودگاه ها، خطوط انتقال حامل های انرژی	کیفیت محیط مسکونی	
بالا بودن نرخ نفر و خانوار در واحد مسکونی، پایین بودن مساحت زیربنا و شکل قطعات مسکونی، برخورداری از تأسیسات آب، برق، گاز و تلفن در واحد مسکونی. انطباق با مقررات محلی ساختمانی، استاندارد ها، قوانین استحکام و دوام سازه	کیفیت واحد مسکونی	

مأخذ: اکبری ارمکی، ۱۳۹۲: ۸۹

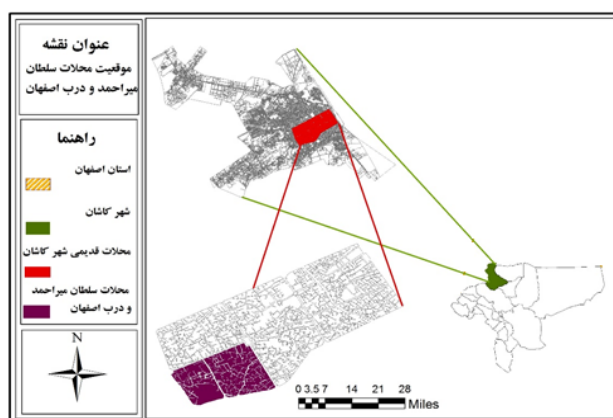
د) تأثیرات همزایی مولد فقر

اگر توزیع جمعیت فقیران شهری در تمام شهر به طور پراکنده باشد و فقرا در مکانهای خاصی تمرکز نکرده باشند، افراد فقیر با افزایش درآمد خود مسئله فقر را از بین می‌برند. لکن تمرکز جغرافیایی افراد کم درآمد در شهرها، مشکلات اجتماعی مانند بیکاری مداوم، عملکرد ضعیف آموزشگاه‌ها و مدارس، نرخ بالای تکفل به وجود می‌آورند. بنابراین افراد فقیر نه تنها باید با مشکلات مالی شخصی خود مقابله کنند، بلکه باید از عواقب منفی ناشی از محیط اجتماعی نامناسب که ناشی از فقر است، رنج ببرند (جارگوسکی، ۲۰۰۳). عواقب ناشی از سکونت در محلات فقیر توسط پژوهشگران زیادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که به طور کلی تأثیرات منفی از قبیل کاهش ارزش زمین و مسکن، آموزش و سوءرفتار منفی بر روی کودکان و اثرات سیاسی را در پی دارد (کوهن و کاوسون، ۱۹۹۳، اروپلوس، ۲۰۰۳، کینگسلی و پتیت، ۲۰۰۳).

در این راستا در بافت قدیمی شهر کاشان، چهره‌های حوزه‌های سکوتی را ساختمان‌های مخروبه، کوچه‌های آلوده و معابر ناامن تشکیل می‌دهد که در این محدوده اقتصاد محلی تقریباً راکد است، نوسازی و تعمیرات جذابیتهی ندارد و از لحاظ اوضاع اجتماعی، فرهنگی و زیرساخت‌های شهری در سطح پایینی قرار دارد. همچنین این محلات از لحاظ وضعیت فضایی-کالبدی با مشکلات زیادی، از جمله درآمد پایین ساکنین، کیفیت زیست محیطی پایین، گذرهای پرپیچ و خم، دسترسی پایین وسایل نقلیه به درون محلات، عدم استحکام مصالح ساختمانی و... مواجه می‌باشند (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۱۹). بر همین اساس با توجه به مشکلات حاضر در سطح محلات قدیمی شهر کاشان لزوم توجه به مقوله فقر شهری امری ضروری می‌باشد. در نهایت شناخت عوامل مؤثر بر فقر و شدت تأثیرگذاری هر یک از عوامل می‌تواند به عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های عدالت اجتماعی و فقرزدایی و استفاده از منابع بهینه برای کاهش فقر و محرومیت منجر شود.

داده‌ها و روش‌شناسی

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است، تعداد ۱۵۰ پرسشنامه که از دو بخش سؤالات عمومی و اختصاصی به صورت پرسشنامه‌های باز و بسته و با استفاده از طیف لیکرت بین ساکنین این محلات توزیع شده است. جهت تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه از روشهای مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos و همچنین روش کای اسکوئر (خی دو) از طریق نرم‌افزار SPSS و در نهایت برای بدست آوردن نقشه‌های مورد نیاز از نرم‌افزار ArcGIS استفاده شده است.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان

شهر کاشان در طول شرقی ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه و عرض شمالی ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. مساحت شهر در محدوده مطالعاتی (ملاک عمل شهرداری) حدود ۸۵۰۰ هکتار است که ۱۹/۲ درصد از سطح شهرستان کاشان را شامل می‌شود (طرح توسعه و عمران شهر کاشان، ۱۳۸۹: ۱۲). که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ نیز جمعیت شهری کاشان حدود ۲۹۳۸۰۶ نفر می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را ساکنین محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان در بافت فرسوده‌ی شهر کاشان تشکیل می‌دهد، که دارای ۹ زیر محله (سوریجان، چاله‌عدسی، سلطان میراحمد،

مسجد آقا بزرگ، گذر آب انبار خان، کوشک صفی، گذر تقی خان، درب اصفهان، سرفره و صدره) با جمعیتی حدود ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد، و علاوه بر ساکنین بومی تعدادی از مهاجرین افغانه نیز در این محلات سکونت دارند. شکل (۱) موقعیت شهر کاشان و محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

بحث

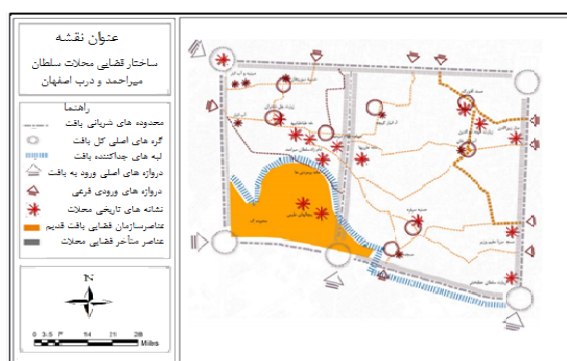
بررسی ساختار کالبدی و فضایی محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان نشان می‌دهد شکل‌گیری این محلات به دوران سلجوقیان در مراحل توسعه تاریخی کاشان باز می‌گردد. اگر چه محله درب اصفهان و سلطان میراحمد توسط خیابان علوی از یکدیگر جدا شده‌اند، اما عناصر اصلی ساختار آن‌ها آنقدر با یکدیگر یکپارچگی دارد که در قالب یک محله می‌توان استخوانبندی آن را مورد بررسی قرار داد. این دو حوزه که مرز محلات قدیم پامنار، گریچه، ترک آباد، قاسم بیک، سوریجان و سلطان میراحمد بوده، توسط محورهای فاضل نراقی از شمال، ملا حبیب الله شریف و بخارایی از غرب و شرق و بلوار کاشانی از جنوب محدود شده است.

میدان قاضی اسدالله، خرمشهر، گره ارزشمند کمال الملک و میدان امام جواد از مهم‌ترین و شاخص‌ترین گره‌های اطراف حوزه هستند که نقاط مفصل برای ارتباط حوزه و حفظ یکپارچگی آن با سازمان فضایی کل بافت تاریخی در سلسله مراتب بالاتر محسوب می‌شود. محله سلطان میراحمد و درب اصفهان در حال حاضر به دو حوزه مجزای ارگ و مسکونی تقسیم شده است، مرز بین ارگ و حوزه مسکونی، لبه اصلی سازمان فضایی بافت تاریخی در ضلع جنوب و جنوب غربی است. محورهای مجهز شهری در اطراف محله، لبه‌های فعال و سرزنده ساختار هستند. فعالیت در تداوم محور علوی به داخل بافت نفوذ می‌کند. خیابان علوی به غیر از این لبه فعال، از محدود محورهایی است که به علت مرمت و بهسازی، در سکانس‌هایی از خیابان بدنه ارزشمندی دارد. برای ورود به بافت، دروازه‌هایی در سلسله مراتب گوناگون، ارتباط محله را با حوزه‌های مجاور و یا محلات بیرون از محدوده بافت تاریخی فراهم می‌آورد

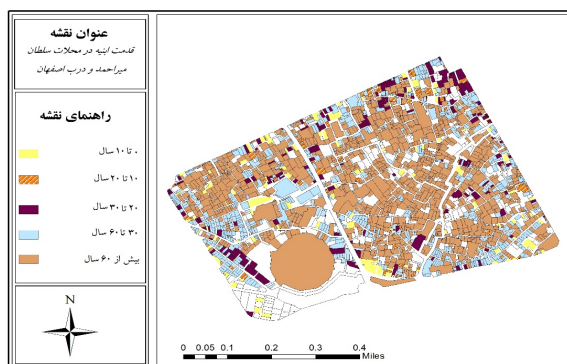
(مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۲۴۷). نقشه شماره ۲ ساختار فضایی محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان را در بافت قدیم شهر کاشان نشان می‌دهد.

شناسایی قدمت ابنیه در محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان

در سطح محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان در بافت قدیمی شهر کاشان حدود ۴۸ درصد قطعات قدمت بیش از ۶۰ سال دارند. علت قدمت زیاد این دو محله به عنوان هسته‌های اولیه توسعه شهر کاشان است. حدود ۳۰ درصد از قطعات نیز قدمتی بین ۳۰ تا ۶۰ سال دارند و کمتر از ۳۰ درصد از قطعات قدمتی کمتر از ۳۰ سال دارند که نشان می‌دهد قطعات نوسازی و جدیدالحداث کمی در سطح محلات وجود دارد. نقشه شماره ۳ قدمت ابنیه را در محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان در بافت قدیمی شهر کاشان نشان می‌دهد.



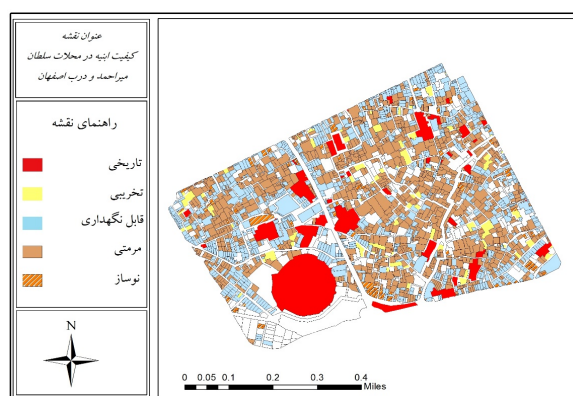
شکل ۲- سازمان فضایی محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان (مأخذ: طرح جامع کاشان، ۱۳۸۹)



شکل ۳- قدمت ابنیه در محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان

شناسایی کیفیت ابنیه در محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان

می‌توان گفت که در سطح محلات، تراکم عناصر مرمتی بالاست که حدود ۴۹ درصد را قطعات مرمتی تشکیل می‌دهد. حدوداً ۴۱ درصد از قطعات در سطح محلات، قابل نگهداری هستند. بناهای با کیفیت نوساز سهم کمی را در سطح محلات تشکیل داده‌اند که این میزان کمتر از ۴/۴۰ درصد می‌باشد. تراکم عناصر با ارزش تاریخی در این محدوده باعث شده تا ساخت و ساز در آن با حساسیت ویژه‌ای همراه باشد. نقشه شماره ۴ کیفیت ابنیه را در سطح محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان در بافت قدیمی شهر کاشان نشان می‌دهد.



شکل ۴- کیفیت ابنیه در محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان

بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی در محدوده محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان در بعد از انقلاب دو عامل عمده بر فرسودگی بیشتر محلات قدیم شهر کاشان مؤثر افتادند؛ یکی مهاجرت روزافزون روستائیان به شهرکاشان که با خروج ساکنین بومی از بافت همراه می‌شد و دیگری ورود مهاجرین افغانی، که ورود این مهاجران وضعیت ساختار اجتماعی بافت را دگرگون نمود. ساکنینی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار بودند محدوده را ترک نمودند و به سایر نواحی شهر مهاجرت کردند. با ورود مهاجران در این سال‌ها، همگنی بافت به تدریج از بین رفته و با اجتماعی از اقوام و اقشار مختلف، وضعیت اجتماعی بافت نابسامان گردید. هر چند که همزیستی تقریباً مسالمت آمیزی بین این اقشار وجود دارد اما نداشتن هویت تاریخی و اجتماعی مشترک، تشکیل

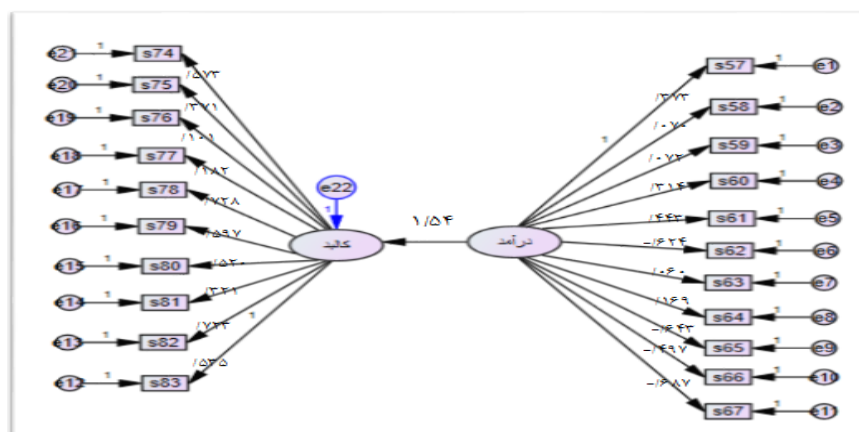
و پایه‌ریزی همبستگی و تعاملات قوی و ساختارمند را در بین آنان دشوار نموده است. با گسترش شهر و افزایش خدمات در نواحی نوساز و جدید، جابه‌جایی از بافت قدیم به این نواحی تشدید گردیده است. مشکلات روز افزون کالبدی، اجتماعی و اقتصادی باعث به وجود آمدن محیط سکونتی نامناسبی شده است (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۲۱۴).

با جمع‌بندی مطالعات اقتصادی طی بررسی‌های میدانی و مطالعات طرح‌های جامع و طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهر کاشان مشخصات ذیل ارائه می‌گردد: تنها تعداد کمی از خانوارهای ساکن در محدوده در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای زندگی می‌کنند و محدوده بافت تاریخی مورد استقبال افرادی که در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای زندگی می‌کنند، نمی‌باشد. همچنین در واقع می‌توان ادعا نمود که اکثر افرادی که در این محدوده زندگی می‌کنند، چون مالک هستند در این محدوده ماندگار شده‌اند و محیط زندگی در این محدوده از کیفیت بالایی برخوردار نیست. واحدهای مسکونی دارای سند مالکیت قطعی دارای سهم عمده در محدوده می‌باشند. همچنین بررسی وضعیت فعالیت سرپرست خانوار در محدوده نشان دهنده سهم بالای افراد بازنشسته می‌باشد و سهم بخش خصوصی در فعالیت‌های سرپرست خانوار در محدوده ۵۰ درصد است که به نسبت پایین است. لازم به ذکر است که سهم بالاتر بخش خصوصی، پویایی و رونق اقتصادی بالاتر را به همراه خواهد داشت، و بخش خدمات نسبت به دو بخش صنعت و کشاورزی، بخش قالب می‌باشد. در نهایت اینکه خوراک، پوشاک و هزینه‌های روزمره بیشتر خانوارهای ساکن در محدوده، سهم عمده هزینه ماهیانه را به خود اختصاص داده است (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

بحث

الگوی مدلیابی معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای پنهان و آشکار را با استفاده از ضرایب رگرسیونی به دست می‌آورد. همچنین این مدل به بررسی شناسایی تحلیل مسیر متغیرها بر یکدیگر، تحلیل عامل‌ها، همبستگی بین متغیرها و میزان خطای هر متغیر می‌پردازد. در نهایت به منظور ارزیابی بهتر مدل از شاخص‌های نیکویی برازش نیز

استفاده شده است. در مورد آزمون فرضیه بر اساس مدل معادله ساختاری نتایج زیر بدست آمد:



شکل ۵- مسیر تأثیر متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای کالبدی و فضایی (برآورد غیراستاندارد)

بر اساس شکل (۵) از بین زیرشاخص‌های کالبدی و فضایی «رضایت از کیفیت مسکن، وضعیت تأسیسات زیربنایی، دسترسی وسایل نقلیه اضطراری، تمایل به ادامه سکونت، انگیزه برای ارتقای کیفیت محیط مسکونی، عملکرد کالبدی در جهت بهبود وضعیت فضایی و کالبدی، پاسخگویی محله به نیازهای روزمره» از ضریب تأثیر مثبت و مناسبی برخوردارند و از میان زیرشاخص‌های درآمدی نیز «انگیزه‌ی ارتقاء محیط در صورت داشتن درآمد بیشتر، تمایل به سکونت در صورت درآمد بیشتر، تأثیر قیمت پایین مسکن در انتخاب محله» ضریب تأثیر مثبتی نشان می‌دهند. در نهایت شاخص درآمد با ضریب $1/54$ بر شاخص کالبدی و فضایی تأثیر گذاشته است (شکل ۱). در ادامه جدول ۲ و ۳ سطح معنی‌داری، خطای استاندارد و نسبت بحرانی زیرمتغیرهای کالبدی و درآمدی را نشان می‌دهند که بیانگر این است زیر شاخص‌های اقتصادی و درآمدی که دارای ضریب تأثیرات مثبتی بودند دارای نسبت بحرانی (CR) مناسب (بیشتر از $1/96$) و خطای استاندارد (SE) پایین و در نهایت سطح معنی‌داری (P) کمتر از 0.05 می‌باشند.

جدول ۲- رگرسیون وزنی مدل پیش فرض (شاخص‌های کالبدی و فضایی)

شاخص‌ها	جهت تحلیل مسیر	متغیرها	تخمین غیر استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
تأثیر وضعیت فضایی و کالبدی	s74	رضایت از کیفیت بنای مسکونی	۱.۰۳۹	۰.۱۹۵	۵.۳۳۶	***
	s75	وضعیت تأسیسات زیربنایی	۰.۶۱۶	۰.۱۶۰	۳.۸۵۶	***
	s76	وضعیت فضای پیرامون واحد مسکونی	۰.۱۹۸	۰.۱۷۲	۱.۱۵۲	۰.۲۴۹
	s77	دسترسی وسایل نقلیه اضطراری	۰.۳۷۰	۰.۱۸۲	۲.۰۲۹	۰.۰۴۲
	s78	تمایل به ادامه سکونت در محله	۱.۷۴۹	۰.۲۸۴	۶.۱۵۸	***
	s79	تمایل به ارتقای کیفیت مسکونی	۱.۱۵۰	۰.۲۱۰	۵.۴۷۷	***
	s80	میزان عملکرد در جهت بهبود وضعیت کالبدی	۱.۰۰۸	۰.۲۰۲	۴.۹۹۶	***
	S81	پاسخگویی محله در برطرف کردن نیازها	۰.۵۴۵	۰.۱۵۹	۳.۴۱۸	***
	s82	میزان رضایت از سکونت در محله	۱.۲۹۹	۰.۲۱۲	۶.۱۳۸	***
	s83	امیدواری به بهبود وضعیت کالبدی در آینده	۱	-	-	-

جدول شماره ۳: رگرسیون وزنی مدل پیش فرض (شاخص‌های اقتصادی-درآمدی)

شاخص‌ها	جهت تحلیل مسیر	متغیرها	تخمین غیر استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
تأثیر وضعیت درآمدی	s57	تمایل به هزینه برای مسکن	۱.۰۰۰	-	-	-
	s58	میزان هزینه مسکن	۰.۱۹۳	۰.۲۴۴	۰.۷۹۰	۰.۴۳۰
	s59	میزان هزینه برای نیازهای اولیه	۰.۱۵۶	۰.۱۹۲	۰.۸۱۰	۰.۴۱۸
	s60	انگیزه برای ارتقای کیفیت محیط مسکونی	۰.۸۳۸	۰.۲۸۶	۲.۹۲۴	۰.۰۰۳
	s61	تمایل به ادامه سکونت در صورت داشتن درآمد بیشتر	۲.۰۳۱	۰.۵۶۹	۳.۵۶۷	***
	s62	تأثیر قیمت پایین مسکن بر سکونت در محله	-۰.۰۱۷۲۴	۰.۵۱۶	-۰.۰۳۹۶	***
	s63	میزان مشارکت در پروژه‌های عمرانی محله	۰.۱۶۹	۰.۲۴۷	۰.۶۸۵	۰.۴۹۳
	s64	افزایش قیمت اراضی با ازبین رفتن مخروبه	۰.۴۱۰	۰.۲۲۷	۱.۸۰۴	۰.۰۷۱
	s65	تأثیر درآمد در انتخاب محله	-۰.۰۷۶۹۲	۰.۴۸۹	-۰.۰۲۸۳۷	***
	s66	تأثیر درآمد ساکنان بر مشکلات کالبدی و فضایی محله	-۰.۰۰۱۱۳	۰.۵۰۱	-۰.۰۰۳۹۵	***
s67	بی توجهی کمتر به محیط مسکونی با توجه به درآمد پایین	-۰.۰۰۷۴۶	۰.۵۳۷	-۰.۰۱۷۸۶	***	

در تحلیل و تفسیر شاخص‌های فوق (جداول ۴ و ۵) باید گفت که تعداد پارامترهای آزاد برای تدوین مدل NPAR که مقدار آن برای مدل پیش‌فرض ۴۳ می‌باشد، نشان می‌دهد پژوهشگر در تدوین مدل به راحتی به هزینه کردن درجات آزادی نپرداخته و این وضعیت قابل قبول است. شاخص کای اسکوتر غیر معنادار (CMIN) برابر با ۵۴۲/۴۶۰ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰ که نتیجه‌ای مطلوب را به نمایش می‌گذارد. با توجه به اینکه درجه آزادی مدل تحقیق از صفر به دور و به درجه آزادی مدل مستقل نزدیک می‌شود باید تلقی مطلوب از مدل فوق داشت. نسبت کای اسکوتر به درجات آزادی که کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF) خوانده می‌شود به جهت قضاوت درباره مدل تدوین شده و حمایت داده‌ها از آن شاخص مناسب‌تری است.

این شاخص که مقادیر ۱ تا ۵ برای آن مناسب و مقادیر نزدیک ۲ تا ۳ بسیار خوب تفسیر می‌گردد در این جدول (مقدار ۲/۸۸۵) حاکی از وضعیتی قابل قبول برای مدل است و مقدار RMSEA ۰/۱۱۲ می‌باشد، این شاخص که ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده است حاکی از عدم قابل قبول بودن این آماره می‌باشد، به دلیل اینکه مقدار استاندارد آن بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ می‌باشد، به دلیل بزرگتر بودن مقدار آن از برازش مطلوبی برخوردار نیست. شاخص نیکوئی برازش CFI برابر با ۰/۷۴۲ می‌باشد که با توجه به نزدیکی به مقدار قابل قبول نسبتاً مطلوب تلقی می‌گردد. شاخص برازش توکر لوئیس NFI برابر با ۰/۵۴۱ می‌باشد که با توجه به فاصله از مقدار قابل قبول نسبتاً مطلوب تلقی می‌شود. همچنین در جدول فوق مقدار شاخص برازش هنجار شده‌ی مقتصد PCFI ۰/۴۸۴ می‌باشد و مقدار شاخص برازش تطبیقی مقتصد PCFI ۰/۵۶۸ که مقادیر تقریباً نزدیکی نسبت به مقدار قابل قبول نشان می‌دهند. در نهایت این شاخص‌ها را نمی‌توان به تنهایی دلیل برازندگی دانست، بلکه آنها را باید در کنار یکدیگر تفسیر کرد، اگر شاخص‌های CFI، GFI، AGFI، NFI بزرگتر از ۰/۹۰ باشد برازش مدل مناسب و مطلوب تلقی می‌شود، همچنین شاخص‌های RMSEA و احتمال نزدیکی برازندگی PCLOSE نشان می‌دهد که الگودهی شاخص RMSEA ریشه میانگین مجذور خطای تقریب می‌باشد. زمانی که مقدار این آماره کمتر از ۰/۰۵ باشد نشان می‌دهد که مدل از

برازش خوبی برخوردار است. در صورتیکه مقدار آن بین ۰/۰۸ تا ۰/۰۵ باشد نشان می- دهد که مدل از برازش قابل قبول برخوردار و در صورتی که مقدار آن بین ۰/۰۸ تا ۰/۰۱ باشد برازش متوسط و اگر بزرگتر از ۰/۰۱ باشد برازش ضعیف است.

جدول ۴- شاخص‌های نیکویی برازش (شاخص‌های مطلق و تطبیقی)

نام شاخص	علائم اختصاری	برازش قابل قبول (Acceptable Fit)	مدل		
			پیش فرض	اشباع	مستقل
پارامترهای آزاد شده برای تدوین مدل	NPAR	-	۴۳	۲۳۱	۲۱
خی دو (کای اسکوتر)	CMIN	$df^2 \leq df \leq X^2$	۵۴۲/۴۶۰	.۰۰۰	۱۱۸۰/۷۲۸
درجه آزادی	DF	-	۱۸۸	۰	۲۱۰
سطح معنی داری	P	$0.05 \leq p \leq 0.1$.۰۰۰	-	.۰۰۰
شاخص نیکویی برازش	GFI	$0.95 \leq CFI \leq 0.9$	/۷۴۲	۱/۰۰۰	/۴۵۴
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	$0.85 \leq AGFI \leq 0.9$, Close to GFI	/۶۳۸	-	/۴۰۰
شاخص نرمال شده بنتلر بویت	NFI	$0.95 \leq NFI \leq 0.9$	/۵۴۱	۱/۰۰۰	/۰۰۰

جدول ۵- شاخص‌های نیکویی برازش (شاخص‌های مقتصد)

نام شاخص	علائم اختصاری	برازش قابل قبول (Acceptable Fit)	مدل		
			پیش فرض	اشباع	مستقل
کای اسکوتر نسبی (بهنجار شده)	CMIN/DF	$X^2 / df \leq 3$	۲/۸۸۵	-	۵/۶۲۳
شاخص برازش هنجار شده ی مقتصد	PNFI	$0.6 \geq$	۰/۴۸۴	/۰۰۰	/۰۰۰
شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	$0.5 \geq$	/۵۶۸	/۰۰۰	/۰۰۰
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	$0.08 \leq RMSEA \leq 0.05$	/۱۱۲	-	/۱۷۶
احتمال نزدیکی برازندگی	PCLOSE	$1 \leq p \leq 0.05$	/۰۰۰		/۰۰۰

برای تجزیه و تحلیل فرضیه دوم تحقیق از آزمون خی دو یا کای اسکوتر یک طرفه استفاده شده است تا به سنجش آماری معنی داری تفاوت بین فراوانیهای مشاهده شده و فراوانیهای مورد انتظار بدست آمده در محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان در بافت قدیمی شهر کاشان بپردازد. در مورد آزمون فرضیه فوق بر اساس مدل کای اسکوتر، نتایج جدول ۶ و ۷ به دست آمد.

جدول ۶- آماره‌های مورد استفاده در آزمون خی دو

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
علت اصلی انتخاب محله برای سکونت (S1).	150	2.9200	.74654	1.00	4.00
در صورت درآمد بالا تمایل به ادامه سکونت در محله چگونه است؟ (S2).	150	3.3867	1.28380	1.00	5.00
تأثیر قیمت اجاره پایین بر انتخاب محله برای سکونت (S3).	150	3.9533	.95071	1.00	5.00
تأثیر درآمد در انتخاب محله (S4).	150	4.0733	.88307	2.00	5.00
اهمیت نزدیکی به اقوام در انتخاب محل برای سکونت (S5).	150	2.6400	.97815	1.00	5.00
تأثیر همسایگان بر انتخاب محل برای سکونت (S6).	150	2.6533	.99655	1.00	5.00

جدول شماره ۷: نتایج آزمون خی دو (کای اسکوتر)

آزمون خی دو	S1	S2	S3	S4	S5	S6
کای اسکوتر	164.773 ^a	27.933 ^b	77.267 ^b	42.693 ^a	56.933 ^b	55.467 ^b
درجه آزادی	3	4	4	3	4	4
سطح معنی داری	.000	.000	.000	.000	.000	.000

جهت بررسی و تجزیه تحلیل فرضیه فوق با استفاده از آزمون خی دو (کای اسکوتر) در صدد دستیابی به این پرسش بودیم که آیا علت سکونت ساکنان در کنار یکدیگر پارامتر اقتصادی و فقر سرپرستان خانوار می‌باشد که با توجه به فراوانیهای مشاهده شده در پاسخ به متغیرهای «علت انتخاب محله، تمایل به ادامه سکونت، تأثیر قیمت

پایین مسکن در انتخاب محله و تأثیر نزدیکی به اقوام و همسایگان در انتخاب محله» و همچنین با توجه به مقدار کای اسکوتر و درجه آزادی مناسب شاخص‌های مختلف و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ که در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است، همگی شاخص‌ها دارای سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و درجه آزادی (۳ و ۴) مناسب می‌باشند، بنابراین با فاصله اطمینان ۰/۹۹ فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه اول تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش رویکردی توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین بررسی‌های میدانی می‌باشد. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه ساکنان محلات قدیمی سلطان میراحمد و درب اصفهان در بافت قدیمی شهر کاشان می‌باشد. در این راستا تعداد ۱۵۰ پرسشنامه در بین ساکنین این محلات در جهت شناسایی معضلات و مشکلات اقتصادی-اجتماعی و اثرات آن بر وضعیت کالبدی - فضایی این بافت‌ها توزیع گردید و سپس تجزیه و تحلیل متغیرهای فوق با استفاده از تحلیل‌های آماری و مدل‌های ساختاری مانند نرم‌افزارهای SPSS و Amos و نقشه‌های مورد نیاز نیز با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS بدست آمد. در این راستا بر اساس اهداف پژوهش دو فرضیه نیز مورد بررسی قرار گرفت که فرضیه نخست در صدد پاسخ به این سوال بود که آیا فقر ساکنان باعث افزایش نارسایی کالبدی و فضایی در محلات شده؟ که بر اساس فرض فوق تأثیرات زیرشاخص‌های درآمدی و اقتصادی بر زیر شاخص‌های کالبدی و فضایی با استفاده از الگوی مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که نتایج نشان می‌دهد، افت شاخص‌های درآمدی و اقتصادی باعث افزایش نارسایی کالبدی و فضایی در سطح محلات می‌شود. اما فرضیه دوم در صدد بررسی علت سکونت ساکنان در کنار یکدیگر بود که فرضیه فوق بر اساس مدل کای اسکوتر یک طرفه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و متغیرهای « انتخاب محله برای سکونت، تمایل به ادامه سکونت، تأثیر قیمت پایین مسکن در انتخاب محله و تأثیر نزدیکی اقوام و همسایگان بر انتخاب محله برای سکونت و...» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج حاصله نشان می‌دهد؛ علت

اصلی ساکنین در انتخاب محله برای سکونت، همسطح بودن با سایر همسایگان از نظر مالی و اقتصادی می‌باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده و محدودیت‌هایی که در روند پژوهش وجود داشت و همچنین تکمیل و بررسی بهتر و دقیق تر مبحث فقر شهری و نگاه تخصصی تر به موضوعات فقر در بافت‌های قدیمی پیشنهادهای به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

-در نظر گرفتن تأثیرگذاری کلیه مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی در گستره‌های فقر شهری.

-کارآفرینی برای ساکنان گستره‌های فقر جهت خروج افراد از اشتغال‌های غیررسمی و غیرقانونی.

-خدمات رسانی و بر طرف نمودن مشکلات زیست محیطی و کالبدی و بهبود کیفیت زندگی در بافت‌های قدیمی.

-بسترسازی مشارکت زنان به فعالیتهای اقتصادی در مقیاس محلی و خانگی جهت افزایش سطح درآمد خانوار.

-افزایش حساسیت مدیران و برنامه‌ریزان شهری به مقوله فقر.

-ارتقای تاب آوری شهری در بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری.

-لزوم توجه شهرداری و میراث فرهنگی در جهت بهبود وضعیت ساختار کالبدی و فضایی در سطح محلات قدیمی شهر کاشان.

-پاکسازی فضاهاى مخروبه و تبدیل این فضاها به کاربری‌هایی در جهت اوقات فراغت ساکنین.

-شناسایی مسیر گردشگری در محلات و تجهیز و تقویت آن در راستای توسعه گردشگری.

-آرام سازی عبور و مرور در محلات تاریخی با استفاده از تمهیدات طراحی.

-ساماندهی پارکینگ‌های محلی در راستای افزایش نفوذپذیری ساکنین.

-حفظ و ارتقاء میراث تاریخی و ساختمان‌های شاخص.

فهرست منابع

۱. اصغری، محمد. سلطانی، اکبر. محمدی، سیده مومنه. (۱۳۹۲). سری آمار: تحلیل جداول توافقی ۱، آزمون های کای دو. مجله دیابت و متابولیسم ایران، دوره ۱۳، شماره ۲.
۲. اکبری ارمکی، زکیه. (۱۳۹۱). استفاده از سازوکار تجدید حیات شهری برای مقابله با فقر در شهرها (نمونه موردی: یکی از مناطق شهر تهران). استاد راهنما دکتر دانشپور، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۷). جایگاه بخش غیر رسمی در توانمند سازی اجتماعات فقیر. مجله هفت شهر، سال ۱، شماره ۲۳.
۴. جواهری پور، مهرداد. (۱۳۸۸). سیاست اجتماعی و فقر از برنامه های تعدیل ساختاری تا راهبردهای کاهش فقر. مجله رفاه اجتماعی - شماره ۱۲.
۵. حبیبی، کیومرث. پوراحمد، احمد. مشکینی، ابولفضل. (۱۳۸۶). بهسازی و نوسازی بافت های کهن شهری. چاپ ۱، دانشگاه کردستان.
۶. حسینی، علی. (۱۳۸۵). تجدید حیات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در یک خُرد-محله شهری (نمونه موردی: محله عودلاجان در شهر تهران). استاد راهنما دکتر دانشپور، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۷. حیدری سورشجانی، رسول. شاطریان، محسن. (۱۳۹۶). درآمدی بر توانمندسازی اجتماعات محلی شهری. چاپ اول، انتشارات دانشگاه کاشان.
۸. راغفر، حسی. صانعی، لیلا. (۱۳۸۹). اندازه گیری آسیب پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران: روش شناسایی خانوارهای محروم. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۰.

۹. شکوهی، علی. (۱۳۸۸). تحلیل مسائل بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از نقشه‌های فازی. سومین همایش منطقه‌ای بررسی مسائل شهرسازی زنجان.
۱۰. شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، شرکت عمران و مسکن سازان استان اصفهان، شرکت احیاء و عمران بافت فرسوده کاشان، مهندسین مشاور باغ اندیشه. (۱۳۸۹). طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده کاشان.
۱۱. مهندسین مشاور نقش جهان-پارس (۱۳۸۹). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر کاشان.
۱۲. کمانرودی، موسی. (۱۳۸۶). اسکان غیررسمی در تهران، ساماندهی اسکان غیررسمی منطقه ۶ شهرداری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهیدبهشتی.
۱۳. مجیدی خامنه، بتول. محمدی، علیرضا. (۱۳۸۴). درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری. نشریه انجمن جغرافیایی ایران، سال سوم، شماره ۶ و ۷.
۱۴. مشکینی، ابوالفضل، دویران، اسماعیل. کلهرنیا، بیژن. (۱۳۹۲). سنجش نابرابری و فقر شهری در محلات اسکان غیررسمی و رسمی (نمونه موردی شهر زنجان). پنجمین کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری.
۱۵. هومن حیدرعلی. (۱۳۸۸). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

16. Cohen, C. J., & Dawson, M. C. (1993). **Neighborhood poverty and African American politics**. *American Political Science Review*, 87, 286-302. [http://dx. doi. org/ 10.2307/2939041](http://dx.doi.org/10.2307/2939041).
17. Couch, C. (2003), **urban regeneration in europ**, first published blackwell.
18. Coudel, hentschel and wodon (2002), **poverty measurement and analysis, in word bank**, asource book for poverty reduction strategy chapter i [http](http://).
19. Culling worth, B and Nadin V. (2006), **town and country planning in the UK**, 14th edition, routledge: london.

20. Jargowsky, P. (2003). **Stunning progress, hidden problems: The dramatic decline of concentrated poverty in the 1990s.** Washington, DC:Brookings Institution Press.
21. Kingsley, G. T., & Pettit, K. (2003). **Concentrated poverty: A change in course.** Washington, DC: The Urban Institute.
22. Mehta, Dinesh (1994), **Urbanization of Poverty, Habitat debate,** Urban Management Programme.
23. Oreopoulos, P. (2003). **The long-run consequences of growing up in a poor neighborhood.** Quarterly Journal of Economics, 118, 1533- 1575. <http://dx.doi.org /10.1162 /003355303322552865>.